

تمسک بی‌بنیاد به نظریه جنگ عادلانه؛ گسست عمیق در توجیهات حقوقی و اخلاقی ارتش رژیم صهیونیستی در مواجهه با گروه‌های مقاومت

علی کریمی • دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)
alika@ut.ac.ir
محمدحسین صفایی • استادیار، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
mhs13680@yahoo.com

چکیده

تقابل‌های نظامی رژیم اشغال‌گر صهیونیستی از سال ۱۹۴۸ میلادی تاکنون، به دو دوره قابل تقسیم است؛ دوره اول، پیش از سال ۲۰۰۰ که شامل نبردهای سهمگین با ارتش کشورهای عربی هم‌چون سوریه، اردن و مصر بوده، و دوره دوم، پس از سال ۲۰۰۰ که شامل درگیری‌های داخلی با گروه‌های مقاومت بوده است. نبردهای دسته دوم اگرچه فی‌مابین رژیم صهیونیستی و جهاد اسلامی، حماس و حزب‌الله لبنان شکل گرفته است، اما در میزان تلفات، وسعت آتش‌افروزی، مدت زمان جنگ، اسرای جنگی و میزان خسارات، کمتر از یک جنگ تمام‌عیار نبوده است. نظریه «جنگ عادلانه» که برآمده از منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی است، تأکید می‌کند که هر جنگی باید با اصل دفاع از خود شروع شود، از کشتار غیرنظامیان اکیداً پرهیز شود و پس از جنگ نیز مسئولیت رسیدگی به مجروحان و بازماندگان پذیرفته شود. شگفت‌اینکه، رژیم صهیونیستی علی‌رغم جنایات بی‌شمار در فلسطین اشغالی و به‌خصوص غزه، به‌کرات مدعی عنوان «اخلاقی‌ترین ارتش جهان» است، به‌این‌معنا که تمام عملیات‌های نظامی ارتش تنها در جهت دفاع از خود بوده، همواره بین نظامیان و غیرنظامیان تمایز قائل شده و پیش از حمله به یک منطقه مسکونی، هشدارهای لازم را به ساکنین ابلاغ می‌کند. این پژوهش، با روش توصیفی تحلیلی به دنبال فهم منطق سران رژیم در اخلاقی‌خواندن ارتش خود و در نهایت تخدیش این ادعا است. توسل این رژیم به اصل دفاع از خود نه تنها پذیرفتنی نبوده و ناقض حقوق بین‌الملل است، بلکه هدفی چون اخراج فلسطینیان را در پی دارد.

واژگان کلیدی: حقوق جنگ، اخلاق جنگ، نظریه جنگ عادلانه، فلسطین، رژیم صهیونیستی.



با وجود آنکه جهان کنونی با قوانین و مقررات بین‌المللی ساخت‌مند شده است و در راس روابط بین دولت‌ها منشور سازمان ملل متحد^۱ تبیین‌کننده صلح و جنگ است، اما همچنان اخلاق‌مند بودن جنگ برای توجیه افکار عمومی از سوی رهبران کشورهای مختلف اهمیت دارد. چنانکه مایکل والزر^۲ به عنوان فیلسوف اخلاق، معتقد است: «هر زمان درباره جنگ و منازعه صحبت می‌کنیم، مرتباً به منطق جنگ عادلانه استدلال می‌کنیم» (B.Bottoms, 2009: 41). در طول جنگ کوزوو^۳، تونی بلر^۴ نخست‌وزیر وقت انگلستان، تاکید داشت: «این، یک جنگ اخلاقی مبتنی بر ارزش‌هاست، نه بلندپروازی‌های سرزمینی»^۵ (Steve Bloomfield, July 17, 2015: Tony Blair Is Having Second Thoughts On War: [http:// prospectmagazine.co.uk/2019/Tony-Blair-is-having-second-thoughts-on-war](http://prospectmagazine.co.uk/2019/Tony-Blair-is-having-second-thoughts-on-war)) نمونه دیگر جنگ عراق است که جورج بوش^۶ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا از جنگ اخلاقی^۷ بهره می‌برد و سعی داشت حملات سهمگین علیه قوای نظامی صدام حسین را توجیه اخلاقی کند (Mars 19, 2003: Full Text: George Bush's Address on the Start of War: [http:// theguardian.com/world/2003/mar/20/iraq.georgbush](http://theguardian.com/world/2003/mar/20/iraq.georgbush)) در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۴ هر دو نامزد، جورج بوش و جان کری^۸، از جنگ با عنوان آخرین راه‌حل^۹ نام

¹United Nations Charter

²Michael Walzer نظریه‌پرداز علوم سیاسی اهل آمریکا است که در آثار خود علاقه‌ی زیادی به حوزه‌های فلسفی و اخلاقی نشان داده است. (متولد ۱۹۳۵)

³جنگ کوزوو درگیری مسلحانه‌ای در منطقه کوزوو بود که از ۲۸ فوریه ۱۹۹۸ تا ۱۱ ژوئن ۱۹۹۹ جریان داشت. در این جنگ ارتش جمهوری فدرال یوگسلاوی که پیش از جنگ، کوزوو را در اختیار داشت در یک سو و گروه‌های شورشی آلبانیایی تبار کوزوو در سوی دیگر قرار داشتند. شورشی‌های کوزوو از ۲۴ مارس ۱۹۹۹ از پشتیبانی هوایی ناتو برخوردار شدند.

⁴Tony Blair (متولد ۱۹۵۳)

⁵Territorial Ambition

⁶George W. Bush

⁷Moral War

⁸John Kerry

می‌بردند. در سال ۲۰۰۶، کوفی عنان^۱ دبیرکل سازمان ملل، حمله اسرائیل به لبنان را با عنوان جنگ اخلاقی توجیه کرد و تاکید کرد که اسرائیل با هدف دفاع از خود^۲ از این حق برخوردار است که لبنان را مورد حمله قرار دهد. (B.Bottoms, 2009: 41).

چند سطر اخیر، نمونه خوبی از کاربرد فلسفه جنگ^۳ و به خصوص جنگ اخلاقی در بین کشورهاست. یکی از مهمترین و بحث‌برانگیزترین این اظهارات، ادعای نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاها، پیرامون اخلاقی بودن جنگ صهیونیست‌ها علیه فلسطین است که بازتاب گسترده‌ای در بین رسانه‌های خبری و تحلیلی جهان داشته است. او معتقد است: «نیروی دفاعی اسرائیل اخلاقی‌ترین ارتش دنیاست که علیه شنیع‌ترین و ظالم‌ترین گروه تروریستی جهان، یعنی حماس-داعش^۴ می‌جنگد و آن را نابود می‌سازد» (Toi Staff, December 27, 2023: Turkey's Erdogan Says Netanyahu Worse Than Hitler, Israel Running Nazi Camps: [http:// timesofisrael.com/turkeys-erdogan-says-netanyahu-worse-than-hitler-israel-running-nazi-camps/amp/](http://timesofisrael.com/turkeys-erdogan-says-netanyahu-worse-than-hitler-israel-running-nazi-camps/amp/))

وزیر دفاع اسبق اسرائیل، ایهود باراک^۵ در پی انتقادات گسترده و درخواست برای تحقیق پیرامون شلیک عمدی سربازان اسرائیلی به سمت غیرنظامیان در جنگ «سرب گداخته»^۶ یا جنگ غزه ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و مشهور بین اعراب به کشتار غزه^۷، چنین موضعی را انتخاب کرد: «من از قواعد ارتش در عملیات نظامی اخیر حمایت می‌کنم. ما یک ارتش بیشتر نداریم که اخلاقی‌ترین ارتش دنیاست. از افسر بلندپایه گرفته تا سرباز عادی همگی مقید به اصول اخلاقی هستند. من به عنوان وزیر دفاع اسرائیل، همراه با ملت‌م حمایت کامل خود را از نیروی دفاعی اسرائیل، ارزش‌ها و ضوابط آن اعلام

⁹Last Resort

¹Kofi Atta Annan (۱۹۳۸-۲۰۱۸)

²Self-defense

³ Philosophy of War

⁴نخست‌وزیر اسرائیل، حماس را با داعش مقایسه می‌کند؛ درحالی‌که حماس منتخب سیاسی مردم فلسطین و حامی آزادی سرزمین فلسطین است.

⁵Ehud Barak

⁶ Cast Lead

⁷مجزره غزه

می‌کنم». (Yaakov Katz, Mars 30, 2009: After Damning Claims Refuted, Barak Says IDF Most Moral Army In World: <https://m.jpost.com/israel/after-damning-claims-refuted-barak-says-idf-most-moral-army-in-world>)

در یکی از بحث برانگیزترین اظهارات سران رژیم صهیونیستی و بعد از شهادت خبرنگار فلسطینی یاسر مرتجی^۱ در ششم آوریل ۲۰۱۸ در نزدیکی مرز غزه، سیاستمدار اسرائیلی آویگدور لیبرمن^۲، در توجیه هدف قرار دادن اهالی رسانه می‌گوید: «ارتش اسرائیل، اخلاقی‌ترین ارتش در کل جهان است. ... زمانی که ما برای دفاع از خود اقدام می‌کنیم، همه شروع به گریه و زاری می‌کنند. ما باید محکم و قاطع ادامه دهیم». لیبرمن در پاسخ به این سوال که چرا سربازان اسرائیلی فردی که لباس آبی خبرنگاری دارد را هدف قرار می‌دهند، می‌گوید: «موارد بسیاری وجود داشته که اعضا حماس با لباس میدل خبرنگاری در بین معترضان مخفی شده‌اند بنابراین ما ریسک نمی‌کنیم». (MatanTzuri, July 4, 2018; Lieberman: Anyone Flying Drones over IDF Soldiers is Endangering Himself; <https://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-5223344,00.html>)

اودر مصاحبه دیگری با رادیو ملی اسرائیل (کان^۳)، اظهار داشت: «هیچ کس در نوار غزه مصون نیست. همه فلسطینی‌های غزه با حماس در ارتباط هستند. همه از حماس حقوق می‌گیرند. آنهایی که سعی می‌کنند ما را در نزدیکی مرز به چالش بکشند و از مرز عبور کنند، وابسته به شاخه نظامی حماس هستند». (MEE and Agencies, April 9, 2018; 'No Innocent People in Gaza' says Israeli Defense Minister; <https://www.middleeasteye.net/news/no-innocent-people-gaza-says-israeli-defence-minister>)

وی در موردی مشابه پس از انتشار ویدئویی از شلیک مستقیم سرباز اسرائیلی به یک فلسطینی در آپریل ۲۰۱۸ در غزه گفت: «نیروی دفاعی اسرائیل، اخلاقی‌ترین ارتش جهان است. اما بی‌شک شما وقتی در جبهه نبرد با دشمن و زیر فشار استرس هستید، تخلیه هیجان و فشار قابل درک است». اشاره لیبرمن به سربازی است که بعد از اصابت تیر به فلسطینی، فریاد خوشحالی سر می‌دهد. (Mee Staff,

^۱ روزنامه‌نگار و عکاس فلسطینی بود که در ۶ آوریل ۲۰۱۸ هدف تیراندازی سربازان اسرائیلی قرار گرفت و در بیمارستان درگذشت.

^۲ Avigdor Lieberman

^۳ KAN

November 15, 2018; Five Of Avigdor Lieberman's Worst Outbursts as Israel's Defence Minister; <https://www.middleeasteye.net/news/five-avigdor-liebermans-worst-outbursts-israels-defence-minister>)

در واقع سران رژیم صهیونیستی اطلاق اصطلاح اخلاقی‌ترین ارتش جهان به اسرائیل را مرتبط با حفظ ارزش‌های انسانی توسط نظامیان خود می‌دانند. نفتالی بنت سیاستمدار صهیونیست در سال ۲۰۱۶ و در دوران تصدی وزارت آموزش، طی سخنانی به مناسبت روز استقلال اسرائیل با اشاره به اخلاق و ارزش‌های انسانی اسرائیل اینگونه ادعا می‌کند که: «ارتش ما هزینه‌ی سنگینی بابت حفظ و رعایت ارزش‌های خود پرداخته است».

منظور بنت، تلفات ارتش در جنگ با شبه‌نظامیان حماس و جهاد است. او سپس ادامه داد: «هیچ‌کس حق ندارد اخلاق و هنجارهای بشردوستانه را به ملت ما گوشزد کند». این اظهارات در واکنش به بحران دو دستگی در ارتش، در پی کشته‌شدن یک فلسطینی بدون سلاح توسط یک سرباز ارتش بوده است. (Toi Staff, May 12, 2016; Bennett: let's Stop the Festival of Self-Flagellation; <https://www.timesofisrael.com/bennett-lets-stop-the-festival-of-self-flagellation/>)

علاوه بر این، سند منشور اخلاقی نیروی دفاعی اسرائیل، «این رژیم سیاسی را به عنوان واحد سیاسی متشکل از مذاهب، ملیت‌ها و اقوام گوناگون معرفی می‌کند که رنگ و مذهب مردمانش تفاوتی در جایگاه شهروندی‌شان ندارد. بنابراین مسلمانان و اعراب شهروند اسرائیل، شایسته همان دفاع و حفاظت هستند که یهودیان ساکن در اسرائیل». در بخشی از سند درباره نحوه رفتار سربازان در میدان نبرد، تاکید می‌کند: «سربازان مجاز به استفاده از سلاح خود علیه غیرنظامیان یا زندانیان نیستند و باید هر آنچه لازم است برای حفاظت از جان، زندگی و شرافت آنها انجام دهند». (IDF's code of Ethics: <https://idf.il/en/mini-sites/our-mission-our-values>) این تصویرسازی از خود¹ به قبل از تشکیل رژیم سیاسی اسرائیل، زمانی که جمعیت‌های پراکنده‌ای از یهودیان حوالی فلسطین و سوریه

¹Self-portray

عثمانی زندگی می‌کردند و با عنوان «یه‌شو»^۱ خوانده می‌شدند، باز می‌گردد. هسته‌های اولیه نظامی یهودیان حوالی ۱۹۲۰ با عنوان «هاگانا»^۲ که به آرمان صهیونیسم وفادار بودند و علیه اعراب و گاهی علیه انگلستان می‌جنگیدند، وظیفه حفاظت از یهودیان را برعهده داشتند. مهمترین دکتین اخلاقی نظامیان یهودی (پیش از تشکیل اسرائیل و بعد از آن) بنابر ادعای خودشان دکتین «پاکی در ارتش»^۳ است. (Khalidi, 2010: 6)

با وجود چنین اظهاراتی، رژیم صهیونیستی در جنگ‌های اخیر خود با گروه‌های مقاومت بنابر گزارش‌های حقوق بشری مرتکب جنایات جنگی و تجاوز به حقوق غیرنظامیان شده است. بنابر گزارش عمر شکیر^۴ نماینده دیده‌بان حقوق بشر^۵ در امور فلسطین و اسرائیل، دولت اسرائیل به هیچ وجه پای‌بند حکم لازم‌الاجرا دیوان بین‌المللی دادگستری^۶ مبنی بر توقف نسل‌کشی و اجازه ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه نبوده است و با قرار دادن دو میلیون و سیصد هزار فلسطینی ساکن غزه در وضعیت قحطی کامل، ایشان را به سمت خطر جدی سوق داده است. دولت اسرائیلی به راحتی حکم دیوان بین‌المللی را نادیده گرفته است و حتی در برخی جهات با افزایش فشار، موانع بیشتری برای ورود کمک‌های بین‌المللی به غزه ایجاد کرده است. (The Hague, February 26, 2024: Israel Not Complying With World Court Order in Genocide Case: <https://www.hrw.org/news/2024/02/26/israel-not-complying-world-court-order-genocide-cace>)

براساس گزارش سخنگوی یونیسف^۷ «نوار غزه خطرناکترین نقطه جهان برای کودکان است و روز به روز این واقعیت وحشتناک وخیم‌تر می‌شود. (December 19, 2023; UNICEF Geneva Palais

به مکان‌های زیست یهودیان در سرزمین فلسطین پیش از اعلام موجودیت اسرائیل گفته Zionit Yishuv^۱ می‌شود :

شبه‌نظامیان یهودی وفادار به ایدئولوژی صهیونیسم که در سال ۱۹۲۰ این نهاد را تشکیل دادند: Hagana^۲

Purity Of Arms^۳

Omar Shakir^۴

Human Rights Watch^۵

The International Court Of Justice^۶

UNICEF^۷

Briefing Note- Gaza: The World's Most Dangerous Place to be a Child;
<https://www.unicef.org/press-release/unicef-geneva-palais-briefing-note-gaza-worlds-most-dangerous-place-be-child>)

به گزارش مرکز المیزان^۱، در ۱۰۰ روز جنگ اسرائیل علیه غزه، ارتش صهیونیستی به طور متوسط روزانه ۲۵۰ فلسطینی را در غزه کشته است. تلفات روزانه‌ای که از تمام جنگ‌های قرن بیست و یکم بیشتر بوده است. طی این ۱۰۰ روز اسرائیل از هر ۱۰۰ فلسطینی، یک نفر را کشته و از هر ۱۰۰ فلسطینی ۲ نفر را به شدت مجروح ساخته است. هزاران فلسطینی، مرده یا زنده زیر آوار گیر کرده‌اند و صدها جان‌باخته در معرض پوسیدن قرار دارند؛ این درحالی است که اسرائیل اجازه ورود نیروهای امداد به مناطق جنگ زده را نمی‌دهد. طی این مدت (از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا ۱۲ ژانویه ۲۰۲۴) ارتش اسرائیل ۲۳۸۴۳ نفر را کشته، ۶۰۳۱۷ نفر را مجروح کرده است. بنابر آمار دفتر رسانه‌ای دولت فلسطین، در بین کشته‌شدگان ۱۰۴۰۰ کودک، ۷۱۰۰ زن، ۳۳۷ نفر کادر درمان، ۴۵ نفر از کادر دفاع مدنی و ۱۱۷ خبرنگار بوده‌اند. (January 14, 2024: 100 Days of Ongoing Genocide in Gaza amid the International Community's Failure to Protect Palestinians: www.Mezan.org/en/post/46357/100-days-of-ongoing-genocide-in-gaza-amid-the-international-community%27s-failure-to-protect-palestinians)

با وجود چنین فجایع جنگی از سمت رژیم صهیونیستی، چگونه می‌توان از ارتش اخلاقی و عملیات نظامی قانونی صحبت کرد؟ این تحقیق به عنوان تلاشی برای فهم منطق رژیم صهیونیستی و متحدان غربی‌اش، در به کاربردن مفهوم «جنگ اخلاقی» و واکاوی و نقد استدلال‌های حقوقی، اخلاقی و فلسفی ایشان است. لازم به ذکر است از نگاه نگارندگان مقاله، رژیم صهیونیستی اشغالگر سرزمین فلسطین و متجاوز به حقوق فلسطینیان است و اشاره به واژه «اسرائیل» در متن مقاله مطلقاً به معنی به رسمیت شناختن چنین کشوری نیست و صرفاً برای اشاره به نام رژیم مجعول در محیط بین‌المللی است.

^۱ مرکز المیزان لحقوق الانسان: یک نهاد غیردولتی مستقل است که از سال ۱۹۹۹ در غزه پایه گذاری شده است و اهداف آن شامل حمایت از حقوق قربانیان جنگ و تامین زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان است.

۱. مبانی نظری

۱.۱. جنگ‌های قانونی

۱.۱.۱. حقوق بین‌الملل عرفی^۱

حقوق بین‌الملل با نگاه به عملکرد دولت‌ها در مواجهه با یکدیگر، سعی در تبیین حقوقی جنگ دارد. حقوق بین‌المللی عرفی به معنای «رویه‌ی عمومی و مداوم از سوی دولت‌ها با هدف تبعیت از قانون»^۲ تعریف شده است و در جهان کنونی به عنوان مرجعی برای صدور احکام حقوقی تلقی می‌گردد. (Status Of The International Court of Justice, Chapter II Article 38: <https://icj-icj.org/statute>) با وجود برخی چالش‌ها^۳، حقوق بین‌الملل عرفی، مبتنی بر اجماع عمومی (نه لزوماً همگانی یا جهانی) است. درخصوص نظریه جنگ عادلانه، بسیاری از اندیشمندان، اصل «تناسب حملات با تهدید» رابه عنوان نمونه‌ای از اصول حقوق بین‌المللی عرفی، مانند حلقه میانی حقوق توسل به زور^۴ و حقوق جنگ^۵ می‌دانند؛ چرا که این اصل هم تصمیم شروع جنگ و هم نحوه انجام عملیات نظامی را مشخص می‌سازد. (Frederic L. Kirgis, August 17, 2006: Some proportionality

¹Customary International Law

² Legal Obligation

^۳ اگرچه در مقام نظریه، حقوق بین‌الملل عرفی به خوبی پرداخته شده است، اما در برخی جزئیات چون تعریف «رویه»^۲ و «عمومی بودن»^۳ چالش‌هایی وجود دارد. درمورد مفهوم اول یعنی «رویه» بحث اصلی سر این موضوع است که کدام شواهد تاریخی قابلیت استناد حقوقی دارند؛ و درمورد مفهوم دوم یعنی «عمومی بودن» سوال اصلی این است که چه میزان از گستردگی رویه مورد نظر، عمومی تلقی می‌شود.

⁴Jus ad Bellum

⁵Jus in Bello

issues raised by Israel's use of armed force in Lebanon:
<https://asil.org/insights/volume/10/issue/20/some-proportionality-issues-raised-israels-use-armed-force-lebanon>)

۲.۱.۱. منشور سازمان ملل متحد^۱

ماده (۲۴) منشور سازمان ملل بیان می‌کند: «تمام اعضا باید در روابط بین‌الملل خود از هرگونه تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دیگران یا هرگونه عمل متناقض با هدف نهایی سازمان ملل خودداری کنند.» (Article 2(4)- prohibition of threat or use of force in international relations: <https://www.un.org/securitycouncil/content/purposes-and-principles-un-chapter-i-un-charter#rel2>) مقصود تدوین‌کنندگان منشور از انتخاب مفهوم «استفاده از زور»^۲ به جای «جنگ»^۳، غیرقانونی اعلام کردن هرگونه اقدان نظامی، نه فقط جنگ، علیه کشور دیگر است. به طور کلی ماده (۲۴) نماینده ممنوعیت عمومی به‌کاربردن قوای نظامی علیه یک کشور است. البته منشور، دو استثنا برای آن قائل شده است: اول، مجوز اقدام نظامی^۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرو بخش ۷ و دوم، حق ذاتی دفاع از خود پیرو ماده ۵۱.

۱.۲.۱.۱. مجوز اقدام نظامی شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرو بخش ۷

¹United Nation Charter

²Use Of Force

³War

⁴Authorized Action

با در نظر گرفتن استثنا اول، شورای امنیت سازمان ملل ممکن است ذیل بخش ۷ و با هدف «حفظ یا بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی» به یک دولت مجوز به‌کارگیری نیروی نظامی را بدهد. این اجازه به دلیل آنکه در یکی از ارکان سازمان ملل تصویب شده است از مقبولیت عمومی برخوردار است و علاوه بر دولت مذکور، ممکن است حمایت نظامی سایر اعضا را نیز در پی داشته باشد. (Chapter VII, Action with respect to threats to the peace, breaches of the peace, and acts of aggression (Articles 39-51): <http://www.un.org/en/about-us/un-charter/chapter-7>)

۲.۲.۱.۱. حق ذاتی دفاع از خود پیرو ماده ۵۱

از آنجایی که مجوز اقدام نظامی از سوی شورای امنیت سازمان ملل به ندرت صادر می‌شود، ماده ۵۱ به عنوان مسیر قانونی در جهت دفاع از خود تلقی می‌شود. ماده ۵۱ بیان می‌کند:

«هیچ عاملی در منشور سازمان ملل متحد نمی‌تواند حق اساسی دفاع شخصی یا جمعی از خود، در برابر حمله نظامی را نقض کند. این دفاع تا زمانی که شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اقدام لازم را انجام دهد، حق طبیعی کشور مورد حمله است. اعضا باید برای اقدام اساسی، ارزیابی لازم را به شورای امنیت گزارش کنند . . .» (Chapter VII, Article, 51)

<http://www.un.org/en/about-us/un-charter/chapter-7>

۲.۱. جنگ عادلانه

نظریه «جنگ عادلانه»^۱ بر این ایده استوار است که اگرچه ذات جنگ شر است، اما با رعایت برخی محدودیت‌ها می‌توان کاربردهای مشروع جنگ را به کار گرفت. این نظریه با دو سوال اساسی پیرامون اخلاق جنگ و صلح روبرو است: چه زمانی به صورت اخلاقی و قانونی مجاز به شرکت در جنگ هستیم؟ و دوم، چه اصول و ضوابطی را هنگامه جنگ باید رعایت کنیم؟ (Just war ; Definition & Introduction: <https://www.carnegiecouncil.org/explore-engage/key-terms/just-war>)

به طور کلی مجموع تاریخچه جنگ عادلانه که ریشه‌های مسیحی و فلسفی دارد همراه قانون بین‌الملل عرفی و منشور سازمان ملل، رویه‌ای ساخته است که با عنوان «سنت جنگ عادلانه»^۲ از آن یاد می‌شود. سنت جنگ عادلانه سه مرحله را دربرمی‌گیرد: حقوق توسل به زور که شرایطی را تعیین می‌کند که یک دولت ممکن است متوسل به جنگ شود. دوم، حقوق جنگ که وضعیت مورد قبول در جنگ را توصیف می‌کند. سوم، حقوق پس از جنگ^۳ که وظایف و حقوق طرفین درگیر پس از جنگ را شرح می‌دهد.

۲. مفاهیم مورد استفاده رژیم صهیونیستی در تبیین جنگ عادلانه

در بخش قبلی سعی کردیم نگاهی گذرا به تاریخچه مفهوم جنگ اخلاقی و جنبه‌های فلسفی آن داشته باشیم و اصول منشور سازمان ملل پیرامون قانون‌مند بودن جنگ را بررسی کنیم. این مقدمه نه چندان کوتاه به ما کمک می‌کند تا درک کاملتری از مفهوم جنگ اخلاقی داشته باشیم. همچنین گفته شد که

¹Just War

²Just War Tradition

³Jus post bellum

چگونه اسرائیل با ادعای برخورداری از ارتش اخلاقی و رویکرد بشردوستانه نسبت به جنگ با فلسطینی‌ها، سعی دارد از زیر بار مسئولیت کشته‌شدن هزاران فلسطینی و غیرنظامی شانه خالی کند. مبنای چنین ادعایی از سمت سران رژیم صهیونیستی، استفاده از برخی مفاهیم و کلیدواژه‌های حقوقی و سیاسی مثل «دفاع از خود» و «مبارزه علیه تروریسم» در جهت توجیه نسل‌کشی ارتش رژیم در فلسطین اشغالی به خصوص نوار غزه است. در این بخش از پژوهش سعی می‌کنیم تعدادی از مهمترین این مفاهیم را به تفصیل توضیح دهیم.

۱.۲. اصل دفاع از خود

غرض ابتدائی تدوین‌کنندگان قانون جنگ عادلانه از ارسطو و سیسرو گرفته تا رالز^۱ و والزر این بوده است که با تعیین معیار مشخص و جهانی، فارغ از تاثیر و تاثرات زمان و مکان، رفتار دولت‌ها در میدان نبرد توجیه شود. برای نمونه وقتی از مفهوم «دفاع از خود» صحبت می‌کنیم، اشاره به جنگی داریم که طبق حقوق بین‌الملل برای محافظت از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور شروع شده باشد. در نگاه اول این اصل چنان بدیهی و قابل تشخیص است که می‌توانیم به واسطه آن بین جنگ‌های عادلانه (مشروع) و ناعادلانه تمایز قائل شویم؛ دولت‌های آغازگر جنگ نامشروع را متجاوزگر و دولت‌های درگیر جنگ عادلانه را مستحق بخوانیم. اما زمانی که وارد پیچیدگی‌های عرصه نظریه‌پردازی به خصوص در حوزه جنگ می‌شویم، درک و نگاه پیشینی ما در فهم و به‌کارگیری اصل «دفاع از خود» به شدت تاثیر می‌گذارد. اسرائیل همواره مدعی است حملات خود علیه غزه یا لبنان را با هدف دفاع از خود انجام داده است به نظر رژیم صهیونیستی بعید است کسی در راکت‌اندازی شبه‌نظامیان حماس و جهاد اسلامی علیه مواضع نظامی و غیرنظامی اسرائیل هنوز مردد باشد: سالهاست که عملیات‌های خرابکاری، انتحاری و حملات چریکی پراکنده از سمت نوار غزه علیه شهروندان اسرائیل در جریان است و این جنایات بر کسی پوشیده نیست.» (Sam Rosen, 28 May, 2021; Understanding the Recent Conflict in Gaza;

¹John Rawls: (۱۹۲۱-۲۰۰۲) فیلسوف لیبرال آمریکایی که نظریات او در فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق شناخته شده است

<https://www.aipac.org/resources/understanding-the-recent-conflict-in-gaza-dhlfm-95xlk-fkphm?format=amp>

پس اگر این گزاره را بپذیریم که تروریست‌ها در پی ناامنی هستند، آیا بدیهی نیست که اسرائیل برای دفاع از موجودیت خود و جان و مال شهروندانش علیه حماس، جهاد اسلامی و حزب‌الله دست به اقدام نظامی بزند؟ این سوال و جواب کوتاه، اولین و مهمترین استدلال صهیونیست‌ها در حملات خود به غزه یا جنوب لبنان یا کرانه باختری، است. در سال ۲۰۲۱ در پی حملات هوایی اسرائیل به نوار غزه و انتقادات بین‌المللی نسبت به این رفتار اسرائیل، نتانیاهاو بیان کرد: «ما هر کاری می‌کنیم تا نظم، آرامش و امنیت مردم و بازدارندگی را بازگردانیم. فکر می‌کنم هر کشوری باید از خود دفاع کند و این حق طبیعی دفاع از خود است.» (Melisa Quinn, May 16, 2021; Netanyahu Defends Gaza Strikes, says Israel will do "whatever it takes to Restore Order"; <https://www.cbsnews.com/news/benjamin-netanyahu-israel-gaza-airstrikes-face-the-nation/>)

دفاع از خود در برابر تروریست‌ها به عنوان حق طبیعی و قانونی از سمت حقوق بین‌الملل برای اسرائیل به رسمیت شناخته شده است. مفهومی که صهیونیست‌ها همراه کشورهای غربی برای توجیه اخلاقی و حقوقی جنگ‌های اخیر خود داشته‌اند، استناد به تروریسم بوده است. از نظر ایشان گروه‌هایی مانند حماس و جهاد و حزب‌الله مصداق بارز تروریسم هستند و هیچ منطقی موجهی جز جنگ برای برخورد با آنها وجود ندارد. بنیامین نتانیاهاو طی سخنرانی سالیانه خود در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۶، ۱۸ بار از واژه ترور و مشتقات آن چون تروریسم و تروریست استفاده کرد. (https://www.gov.il/BlobFolder/news/speechun220916/he/english-mediacycenter-speeches-documents-speechun220916eng_1.doc) در مجمع عمومی سازمان ملل ۱۴ بار از واژه ترور و مشتقات آن استفاده کرد. (https://www.un.org/en/ga/69/meetings/gadebate/pdf/IL_en.pdf)

گالانت^۱ وزیر دفاع فعلی اسرائیل در پی تبادل آتش با حزب‌الله لبنان و در دیدار با فرماندهی نیروی نظامی اسرائیل گفت: «ما جنگ نمی‌خواهیم اما آماده‌ایم تا از مردم خود، سربازان و سرزمینمان دفاع

¹Yoav Gallant

کنیم» او با رویکردی ستیزه‌جویانه ادامه داد: «ما لحظه‌ای در استفاده از تمام قدرت خود تعلل نخواهیم کرد تا متر به متر لبنان و حزب‌الله را هدف قرار دهیم و لبنان را به عصر حجر بازگردانیم» (Yonah Jeremy, August 8, 2023; Israel Will Attack 'Every Meter' of Lebanon in Self-Defense – Gallant; <https://m.jpost.com/israel-news/defense-news/article-754050>)

۲.۲. اصل تمایز^۱

اصل تمایز به عنوان قاعده عرفی^۲ حقوق بین‌الملل بشردوستانه تفاوت اساسی بین افرادی که در جنگ کشته می‌شوند، قائل است. این اصل تمام افراد را در دو گروه کلی جای می‌دهد: نظامیان و شهروندان. نظامیان شامل تمام پرسنل نظامی به‌جز کادر درمان و مبلغان مذهبی است و در مقابل، شهروندان شامل افرادی که مشارکتی در اقدامات نظامی ندارند. براساس این اصل تنها نظامیان قابل هدف‌گیری مستقیم هستند. ماده ۴۸ پروتکل^۳ صراحت دارد تمام طرف‌های جنگ باید همیشه بین شهروندان و نظامیان (جنگجویان) و بین اهداف غیرنظامی^۴ و اهداف نظامی تفاوت قائل باشند و در نتیجه تنها علیه اهداف نظامی عملیات^۵ انجام دهند. (Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977. Part IV: Civilian population-Section I - General protection against effects of hostilities- Chapter I – Basic rule and field of application: Article 48 – Basic rule: <http://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977>)

اینجا، دو استثنا کلی در رابطه با تفاوت بین شهروندان و نظامیان وجود دارد. اول آنکه اگرچه شهروندان از هدف‌گیری مستقیم مصون است اما می‌تواند مصونیت^۶ خود را از دست بدهد. اگر شهروندان در فعالیت‌های خصمانه علیه دشمن همکاری داشته باشد می‌تواند مورد هدف قرار بگیرد اما به محض آنکه فعالیت خود را رها کند، مصونیتش بازمی‌گردد. (Part IV: Civilian population – section – General protection against effects of hostilities – Chapter II – Civilians and civilian

¹Distinction

²Customary Rule

³Additional Protocol 1: پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون ژنو در رابطه با محافظت از قربانیان جنگ

⁴Civilian Objects

⁵Operation

⁶Immunity

population: Article 51 - Protection of the civilian population: <http://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977/article-51?activeTab=undefined>

دوم آنکه اگر سربازی بر اثر جراحت یا اسارت توان رزم خود را از دست بدهد، از هر نوع حمله مصون خواهد ماند. - (Part III: Methods and means of warfare - Combatant and prisoner of war status - section I - Methods and means of warfare: Article 41 - Safeguard of an enemy hors de combat: <http://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977/article-41?activeTab=undefined>) این دو استثنا نشان می‌دهد که تهدید نظامی ایستا^۱ و همیشگی نیست و مصونیت حقوقی باید با وضعیت جنگی هماهنگ باشد. به عبارت دیگر شهروندان عموماً تهدید مستقیم علیه نیروی مقابل تلقی نمی‌شوند، لذا از اینکه مورد هدف قرار بگیرند، در امانند. اما به محض اینکه سلاح دست گیرند، مصونیت خود را از دست می‌دهند. در مقابل سربازان تهدید هستند و مصونیت ندارند اما اگر شرایط به گونه‌ای باشد که ایشان دیگر تهدید نباشند، نباید مورد حمله قرار بگیرند. (Trumbull, 2023: 48)

با وجود تصریح حقوق بین‌الملل مبنی بر تفاوت نظامیان و غیرنظامیان، صهیونیست‌ها طی عملیات‌های «کشتار هدفمند»^۲ تفاوت خاصی بین نظامیان و غیرنظامیان قائل نشده‌اند. همانطور که از عنوان عملیات انتظار می‌رود، هیچ نوع حمله نظامی گسترده با تلفات بالا در کار نیست و بیش از هر چیز صدمه جدی علیه یک هدف خاص مهم است؛ بنابراین از نظر صهیونیست‌ها این سری عملیات، ترور علیه تروریسم تلقی می‌شود و تنها عاملی که باعث تمایز آن با تروریسم می‌شود استناد به اصل «دفاع از خود» است. نیروهای اسرائیلی طی عملیات شناسایی، مکان‌یابی و سپس ترور سوزدهای فلسطینی با ابزاری چون پهپاد، هلیکوپتر یا بمب‌گذاری به هدف خود می‌رسند. تنها در پی خیزش انتفاضه و در پاییز ۲۰۰۲، ۵۰ غیرنظامی فلسطینی به همراه ۸ شبه‌نظامی به این طریق کشته شده‌اند. در کشورهای همسو با مقاومت فلسطین چون لبنان، عراق و سوریه هم این عملیات بارها تکرار شده است. (David, 2003: 111)

¹Static

²Targeted Killing

این سری از عملیات‌های «کشتار هدفمند» ممکن است مصداق مفهوم ترور یا قتل^۱ تلقی شود و از نظر حقوق بین‌الملل غیراخلاقی است. همچنین ترور فلسطینی‌های مظنون، اگرچه برای صهیونیست‌ها پیشگیری از فجایع بزرگتر است ولی نزد افکار عمومی امری مذموم است. با این حال صهیونیست‌ها معتقدند حقوق بین‌الملل تنها دو وضعیت صلح و جنگ را به رسمیت می‌شناسد اما این دوگانه جنگ/ صلح برای اسرائیل معنا ندارد تا بخواهد براساس آن عمل کند. اسرائیل در جنگ با کشور دیگر نیست اما در صلح هم نیست؛ بلکه در وضعیت منازعه و خصومت طولانی با فلسطینی‌ها است. (Tim Winter, August 19, 2001: The Nation: Terminator: Making Rules in the World between War and Peace: <https://nytimes.com/2001/08/10/weekinterview/the-nation-terminator-making-rules-in-the-world-between-war-and-peace.html>)

طبق حقوق بین‌الملل، «کشتار هدفمند» باید فقط علیه نظامیان به کار گرفته شود و قتل فردی یا دسته‌جمعی شهروندان با استناد به اصل «دفاع از خود» پذیرفته نیست. (Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977. Part IV: Civilian population- Section I - General protection against effects of hostilities- Chapter I - Basic rule and field of application: Article 48 - Basic rule & Article 51 - Protection of the Civilian Population; <http://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977>)

سوال مهم است که چرا عملیات شهادت‌طلبانه جوانان فلسطینی علیه اهداف نظامی و غیرنظامی اسرائیل و در اعتراض به اشغالگری غیرقانونی کرانه باختری و نوار غزه، تروریسم تلقی می‌شود اما عملیات «کشتار هدفمند» با مختصات ضدحقوق‌بشری و علیه غیرنظامیان، تروریسم نیست؟ رژیم صهیونیستی در پاسخ به چرایی انجام «کشتار هدفمند» دو نکته را مطرح می‌کند؛ ابتدا این پرسش، که اساساً نظامیان^۲ چه کسانی هستند؟ درست است که فلسطینی‌ها کشور و دولت مستقلی به معنای متعارف ندارند و همچنین از ارتش به معنای گروهی از نظامیان متحدالشکل برخوردار نیستند، اما آنچه مهم است این نکته است که آیا فلسطینی که مورد حمله قرار گرفته، تهدیدی علیه امنیت ملی اسرائیل بوده است یا نه؟ اگر تهدید بوده، پس نظامی هم بوده است، اگرچه یونیفرم نداشته است. از

¹Assassination

²Combatants

آنجایی که بسیاری از اهداف حملات اسرائیل از اعضا گروه‌های شبه‌نظامی بوده‌اند، طبیعی است که به هدف مشروع شلیک مستقیم، تبدیل شده‌اند.

نکته دوم آنکه، اگرچه عملیات «کشتار هدفمند» می‌تواند تا حدودی خارج از قواعد بین‌الملل یا برخلاف انتظار افکار عمومی باشد اما نیروهای دفاعی اسرائیل ادعا می‌کنند در انجام آن نهایت مهارت در ابزار و مراقبت در جان غیرنظامیان را به کار می‌گیرند. در فوریه ۲۰۰۲ مناخیم فینکلششتین^۱، رئیس دادرسی نیروی دفاعی اسرائیل^۲ سه شرط را برای انجام عملیات «کشتار هدفمند» مطرح کرد؛ اول آنکه تروریست پیش از کشته‌شدن باید درخواست بازداشت^۳ را نادیده گرفته باشد، دوم، نیروهای اسرائیل تلاش خود را برای دستگیری تروریست انجام دهند ولی موفق نباشند. سوم، کشتار باید با هدف ایمن نماندن و جلوگیری از حمله مجدد تروریست باشد نه با نیت انتقام یا جبران ناکامی گذشته. (Gdeon Alon & Amos Harel, February 4, 2002: IDF lawyers set Conditions for Assassination policy: <https://haaretz.com/2002-02-04/ty-article/idf-lawyers-setconditions-for-assassination-policy/0000017f-ea1a-da9b-a1ff-ee7f924a0000>)

البته این سه شرط اخیر بیش از آنکه کارکرد اخلاقی برای رژیم صهیونیستی داشته باشند، در سطح ادعا و نظر قابل بررسی هستند. چرا که شهروند فلسطینی که از نظر اسرائیل عملیات تروریستی انجام می‌دهد، از نظر هم‌میهنانش برای آزادی وطن می‌جنگد. بنابراین هشدار پیش از کشتن چه معنایی برای او دارد در حالیکه بنابر حقوق بین‌الملل، اسرائیل اشغالگر کرانه باختری و غزه شناخته شده است و مسئول مستقیم برآمدن جنبش‌های مقاومت است. ضمن آنکه گزارش‌های نهادهای حقوق بشر، واقعیتی خلاف اظهارات سران رژیم صهیونیستی در عملیات «کشتار هدفمند» را نشان می‌دهند. براساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر اروپا-مدیترانه^۴، ارتش صهیونیستی از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بعد از شروع جنگ، از پهبادهای کوچک و کوادکوپترها برای هدف قرار دادن مستقیم فلسطینی‌ها استفاده کرده است. هدف عمده در استفاده از این پهبادها به عنوان سلاح در ارتش‌های دیگر جلوگیری یا کاهش تلفات انسانی

¹Menachem Finkelstein

² The Judge advocate General of the Israeli Defense Forces

³Arrest

⁴Euro-Med Human Rights Monitor

است اما اسرائیل به عمد از این ابزار برای کشتار شهروندان فلسطینی در نوار غزه استفاده می‌کند. به گزارش این مرکز حقوق بشر غیرانتفاعی، ارتش اسرائیل با هدف قرار دادن مستقیم^۱ شهروندان غیرمسلح به منظور کشتن آنها در پناه‌گاه‌ها، خیابان، بیمارستان و مراکز پرتجمع استفاده می‌کند. این در حالی است که این شهروندان هیچ نوع تهدیدی نداشتند و در هیچ عملیات نظامی شرکت نکرده بودند. این نهاد حقوق بشری با اشاره به چندین پرونده ترور فلسطینیان، به کشتار ۵۰ فلسطینی و مصدومیت شمار دیگر در خیابان الرشید در تاریخ ۱۱ ژانویه ۲۰۲۴ اشاره می‌کند که جمعیت بسیاری برای دریافت کمک‌های غذایی سازمان ملل دور کامیون‌ها جمع شده بودند. گزارش‌ها اثبات می‌کنند که حداقل شش مورد کشتار بیشمار فلسطینیان با همین شیوه اتفاق افتاده است. (February, 19, 2024; Gaza: Israel Systematically Uses quadcopters to Kill Palestinians from a Close Distance; <https://euromedmonitor.org/en/article/6166/gaza:-israel-systematically-uses-quadcopters-to-kill-palestinians-from-a-close-distance>)

باوجود ادعای اخلاقی بودن عملیات نظامی اسرائیل، همچنان حجم بالای تلفات غیرنظامیان مورد سوال است حتی اگر بپذیریم رژیم صهیونیستی تنها با هدف خلع سلاح نیروی نظامی حماس و با استناد به اصل دفاع از خود، عملیات نظامی در غزه را شروع کرده است، عملکرد نیروی نظامی به عنوان اخلاق هنگامه جنگ باید طبق مقررات بین‌المللی رعایت شود. اسرائیل نه تنها در جنگ غزه، بلکه در حمله با لبنان و جنگ اخیر با حماس همواره این رویه را دنبال کرده است. چنانکه طی جنگ جاری پس از عملیات طوفان الاقصی، تا تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۲۴ حداقل بیش از ۳۳۰۰۰ فلسطینی در غزه کشته شده‌اند، بیش از ۴۵۴ فلسطینی در کرانه باختری کشته شده‌اند و در مجموع بیش از ۷۹۰۰۰ نفر مجروح شده‌اند. (AJLabs, March 29, 2024; Israel-Gaza War in Maps and Charts: Live Tracker; <https://www.aljazeera.com/amp/news/longform/2023/10/9/israel-hamas-war-in-maps-and-charts-live-tracker>) این آمار نشان‌دهنده رخ دادن یکی از بزرگترین فجایع انسانی در غزه به دست رژیم صهیونیستی است.

¹Sniping

هم‌پوشانی‌های زیادی بین اصل تمایز و نظریه دفاع از خود وجود دارد. اول آنکه اصل تمایز مبتنی بر این ایده است که تمام افراد بالذات از حق مصونیت در برابر حمله دشمن برخوردارند مگر آنکه آگاهانه این حق را کنار بگذارند. مصونیت شهروندان یک امتیاز ویژه^۱ در جنگ نیست بلکه برآمده از پایه‌ای‌ترین حقوق بشر است. نظامیان با پیوستن به ارتش و اسلحه به دست گرفتن، چنین مصونیتی را کنار گذاشته‌اند. درحالی‌که ممکن است برخی افراد مجبور به عضویت در ارتش شده باشند، اما ثبت‌نام در نیروی نظامی عموماً مستلزم اقدام اختیاری^۲ و داوطلبانه^۳ است. دوم، اصل تمایز مانند دفاع از خود مبتنی بر مسئولیت تهدید علیه دیگری است. نظامیان به این دلیل مورد حمله قرار می‌گیرند که مانند شهروندان فعال در اقدامات نظامی، تهدید نسبت به دشمن تلقی می‌شوند. درحالی‌که شهروندان ممکن است سطح متفاوتی از تهدیدات پراکنده را روانه دشمن کنند، نظامیان به عنوان بخشی از یک سازمان یکدست، عملاً موجودیت طرف دیگر جنگ را به چالش می‌کشند. زمانی که پرسنل نظامی به دلیل ناتوانی یا دستگیری، دست از جنگ بکشند، مصونیت خود را به عنوان یک شهروند عادی به دست می‌آورند.

۲.۳. اصل تناسب حمله با تهدید^۴

بنابر اصل تمایز، شهروندان نباید هدف مستقیم حمله دشمن قرار بگیرند اما «حقوق بین‌الملل بشردوستانه»^۵ احتمال به خطر افتادن جان شهروندان را در نظر می‌گیرد. در بسیاری از مخاصمات، تعداد بی‌شماری^۶ از تلفات، شهروندان هستند. در طول یک سده اخیر، به دلیل استفاده گسترده از جنگ‌افزارهای نظامی، تسلیحات کشتار جمعی و افزایش جمعیت شهروندان، نسبت کشته‌شدن شهروندان به نظامیان به شدت رو به افزایش بوده است. باوجود آنکه آمار تلفات غیرنظامیان

¹Special Privilege

²Deliberate

³Voluntary

⁴Principle of Proportionality (PP)

⁵International Humanitarian Law (IHL)

⁶Disproportionate

(شهروندان) همواره مورد اختلاف^۱ بوده است، مطالعات زیادی نشان می‌دهد که بالغ بر ۵۷ درصد کشته‌شدگان در جنگ‌های اخیر سراسر جهان، شهروندان بوده‌اند. (Fellmeth, 2008: 455) تعداد بالای تلفات غیرنظامیان به این معنا نیست که مردم بی‌گناه بیشتر مورد حمله قرار می‌گیرند، که در این صورت نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه رخ می‌دهد، بلکه کشته شدن شهروندان با عنوان تلفات ثانوی^۲ و به صورت قانونی صورت می‌گیرد.

اصل «تناسب حمله با تهدید»، به عنوان یکی از قوانین عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در بخش ۵۱ پروتکل الحاقی ۱ تدوین شده است. (Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977; Article 51 - Protection of the Civilian Population) این اصل، حمله‌ای را که بنا بر پیش‌بینی^۳ موجب صدمات بی‌اندازه به جان و مال شهروندان شود، ممنوع اعلام می‌کند. این اصل برای ایجاد محدودیت در کاربرد قوای نظامی علیه طرف دیگر جنگ، وضع شده است اما به طور ضمنی کشته شدن اتفاقی^۴ غیرنظامیان، بنا بر عقلانیت^۵ قابل قبول نظامی را تایید می‌کند.

اصل «تناسب حمله با تهدید» دارای برخی نکات قابل ذکر هست: اول، این اصل پیش‌بینی میزان تلفات پیش از حمله را لازم می‌داند و استناد طراحان جنگ به تلفات ثانوی یا اتفاقی را نمی‌پذیرد. دوم، این اصل، با وجود تاکید بر استفاده متناسب از قوای نظامی، محدودیت تلفات در یک حمله نظامی را مشخص نکرده است. بنابراین، میزان بالای تلفات غیرنظامی، نمی‌تواند مصداق افراط یا زیاده‌روی در حملاتی باشد که به دنبال امتیازگیری در میدان نبرد هستند. از نظر طراحان عملیات، به هر میزان که هدف نظامی اهمیت بیشتر داشته باشد، تعداد بیشتری از نظامیان در معرض آسیب هستند (Dinstein, 2010: 131)

¹Disputed

²Collateral Damage

³Expected

⁴Incidental

⁵Rationale

به صورت کلی این درک بین رهبران صهیونیست وجود دارد که بازیگران خاورمیانه و همسایگان اسرائیل چشم به جنگ اسرائیل و غزه دوخته‌اند پس باید برای آنها این اصل یادآوری شود که نزاع با اسرائیل هزینه گزافی دارد. تساهل اسرائیل در پاسخ به عملیات نظامی شبه‌نظامیان می‌تواند حمل بر ضعف ارتش، ضربه به وجهه شکست‌ناپذیری اسرائیل و دعوت از رقبا برای دست کم گرفتن قدرت نظامی اسرائیل شود. هرگونه تجاوز به منافع اسرائیل باید با سخت‌ترین حملات پاسخ داده شود. لذا پاسخ بازدارنده برای اسرائیل تبدیل به راهبرد نظامی شده است. (Inbar & Shamir, 2014: 2) قاطعیت و حجم حملاتی که رژیم صهیونیستی علیه گروه‌های مقاومت به کار می‌گیرد، نقض‌کننده اصل «تناسب حمله با تهدید» است اما صهیونیست‌ها معتقدند تنها با یک «پاسخ کوبنده»^۱ می‌توان تصویر بازدارندگی اسرائیل را بازسازی یا تقویت کرد. (Kasher, 2009: 4-5)

۲.۴. دکتترین تاثیر دوسویه^۲

توجیه اخلاقی اصل «تناسب حمله با تهدید» در متون حقوقی تا حد زیادی در پیوند با دکتترین «تاثیر دوسویه» است. هر دو این سوال را مطرح می‌کنند که چه زمانی صدمه غیرعمدی به دیگران مجاز است و چه زمانی تلفاتی که از یک حمله نظامی باقی می‌ماند قانونی تلقی می‌شود. دکتترین «تاثیر دوسویه» که پیدایشش به اندیشه‌های توماس آکویناس بازمی‌گردد، مبتنی بر این ایده است که ممکن است یک عمل دارای دو پیامد باشد: یک پیامد پیش‌بینی شده^۳ و دیگری پیش‌بینی نشده یا غیرارادی^۴. این دو پیامد می‌توانند ارزش‌های اخلاقی متفاوتی را به نمایش بگذارند. دکتترین تاثیر دوسویه به ما این اجازه را می‌دهد که با تفاوت قائل شدن بین پیامد ارادی و غیرارادی، وجوه اخلاقی متفاوتی از یک عمل را درک کنیم. برای مثال پزشک برای درمان پای شکسته بیمار خود، ممکن است موجب درد کشیدن او شود. اینجا، اینجا، درد کشیدن بیمار پیامد غیرارادی است و اراده پزشک برای بهبود حال بیمار، پیامد ارادی.

¹Powerful Response

²Doctrine of Double Effect (DDE)

³Foreseen

⁴Unintended

با وجود آنکه برخی جزئیات این دکترین مورد مناقشه هستند، اما یک عمل با وجود نتایج نامطلوب تنها زمانی می‌تواند اخلاقاً مجاز باشد که: اول، عمل در راستای دستیابی به نتایج مطلوب انجام شود. دوم، فاعل تنها برای رسیدن به نتایج خوب، عمل را انجام دهد. سوم، نتایج مذموم به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف خوب به کار گرفته نشوند. چهارم، اطمینان از اینکه نتایج مطلوب عمل، بیش از نتایج نامطلوب خواهد بود. دکترین «تأثیر دوسویه»، حمله به شهروندان با هدف دستیابی به مزیت نظامی را ممنوع می‌داند. بنابراین، بمباران شهرها و شهروندان با هدف جلوگیری از گسترش ترور^۱ و یا وادار کردن طرف مقابل به تسلیم - تجربه‌ای که در جنگ جهانی اول بارها تکرار شده است - حتی اگر برتری استراتژیک دربر داشته باشد، ممنوع شده است. حمله مستقیم به شهروندان طی عملیات نظامی از آنجایی ممنوع شده است که هدف، شهروندان بوده‌اند نه اهداف نظامی (Bartels, 2013: 273).

طبق نظر کاشر^۲ و یادلین^۳ در مقاله «اخلاق نظامی علیه تروریسم: چشم‌انداز اسرائیلی»^۴ که در مجله اخلاق نظامی^۵ انتشارات راتلج^۶ چاپ شده است، عمل انجام شده در چارچوب نظریه «تأثیر دوسویه» تنها در شرایط زیر قابل قبول است:

۱. عمل صرفاً در راستای دفاع از خود صورت پذیرد.

۲. تلفات ضمنی یا ثانویه به هیچ وجه هدف نباشد.

۳. تمام تلاش‌ها برای به حداقل رساندن تلفات ضمنی به کار بسته شود.

۴. از تلفات ضمنی به عنوان وسیله اتمام کار دشمن (تروریست‌ها) استفاده نشود.

¹Spreading Terror

²Asa Kasher: فیلسوف و زبان‌شناس اسرائیلی که در دانشگاه تل‌آویو تدریس می‌کند. او یکی از تدوین‌کنندگان سند اخلاقی ارتش اسرائیل است این سند توجیه‌کننده اقدامات خلاف قانون اسرائیل علیه گروه‌های مقاومت فلسطین است.

³Amos Yadlin: ژنرال بازنشسته نیروی هوایی اسرائیل و رئیس سابق اداره اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل (امان)

⁴Military Ethics of Fighting Terror: An Israeli Perspective

⁵Journal of Military Ethics

⁶Routledge

۵. تلفات ضمنی باید متناسب با اهمیت مأموریت نظامی باشد. (Kasher & Yadlin, 2005: 19) برای مثال در نظر کاشر و یادلین، برای هدف قرار دادن یک نیروی نظامی حماس، کشته شدن ۱۰۰ فلسطینی، شرط پنجم اصل تاثیر دوسویه را نقض می‌کند ولی برای هدف قرار دادن یکی از اعضای دفتر سیاسی حماس کشته شدن ۱۰۰ فلسطینی در تناسب با هدف اصلی است.

دکترین «تاثیر دوسویه» توجیه‌کننده تلفات انسانی است که در پی حملات نظامی صورت می‌گیرد. هر میزان هم که پیامدهای حمله پیش‌بینی شده باشد، در نهایت تلفات صفر غیرممکن است.

این دکترین می‌تواند دربرگیرنده مقایسه دو گروه حملات، یعنی بمباران استراتژیک^۱ یا بمباران حرفه‌ای^۲ که عموماً از سمت رژیم اسرائیل صورت می‌گیرد و بمباران تروریستی^۳ که از سمت شبه‌نظامیان و چریک‌های آزادی‌بخش فلسطینی انجام می‌شود، باشد. با وجود آنکه در هر دو بمباران تلفات پیش‌بینی‌ناپذیر وجود دارد، اما دکترین تاثیر دوسویه تنها توجیه‌کننده اخلاقی «بمباران استراتژیک» است؛ چرا که هدف از بمباران استراتژیک، تخریب مراکز نظامی، زیرساخت‌ها و در نهایت امکانات اقتصادی است (حداقل اینطور ادعا می‌شود) ولی چون در منازعات معمول بین اسرائیل و فلسطین، طرف فلسطینی از چنان امکاناتی برای هدف‌گیری دقیق مراکز نظامی صهیونیست‌ها برخوردار نیست، از هر وسیله‌ای اعم از عملیات شهادت‌طلبانه، خرابکاری و موشک‌باران برای هر نوع خسارتی به دشمن صهیونیست بهره می‌گیرد. لذا طبیعی است آسیب‌رساندن به اهداف نظامی و غیرنظامی نیز در این حملات نه تنها تلفات ثانوی محسوب نمی‌شود بلکه دستاورد عملیات تلقی می‌شود. درحالی‌که حداقل تلفات در حملات استراتژیک، موجب نگرانی و سرافکندگی نیروی مهاجم می‌شود (Gross, 2006: 559). در واقع رژیم صهیونیستی، همانند اصول پیش، بیشترین بهره را از این اصل می‌برد و با تفسیر مطلوب خود از این اصل به عملیات کشتار خود جلوه حقوقی و اخلاقی می‌بخشد. اگر حماس مدعی شود ما هم به دنبال دستگیری افسران ارشد اسرائیلی یا کشتن نظامیان بودیم اما ناخواسته

¹Strategic Bombing (SB)

²Tactical

³Terror Bombing (TB)

تعدادی از شهروندان اسرائیلی هم کشته شدند، همان برخوردی با حماس می‌شود که با طرف اسرائیلی شده است؟ آیا تلفات تهاجم حماس نیز مانند تلفات ارتش صهیونیستی ذیل اصل صدمات ثانویه^۱ قرار می‌گیرد؟ صاحب‌نظران معتقدند حقوق بشر ظاهراً جهانی نیست و براساس منافع افراد و گروه‌ها به کار گرفته می‌شود. (Nesrine Malik, November 27, 2023; The war in Gaza has been an Intense Lesson in Western Hypocrisy. It Won't be Forgotten; <https://www.theguardian.com/commentisfree/2023/nov/27/war-gaza-lesson-western-hypocrisy-international-community>)

برای درک بهتر سوء استفاده رژیم از اصول حقوقی کافیست به گزارش الجزیره توجه کنیم. الجزیره در گزارش خود این سوال را مطرح می‌کند که چرا کشتار فلسطینی‌ها واکنشی از طرف دولت‌های غربی یا نهادهای حقوق بشری بر نمی‌انگیزد، اما عملیات نظامی فلسطینی‌ها به خصوص در غزه، مصداق خشونت یا تروریسم تلقی می‌شود و مستحق مقابله و مجازات است؟ در پاسخ، الجزیره اشاره می‌کند، اسرائیل از برخی مفاهیم نه‌چندان واضح و مبهم در حقوق بین‌الملل بهره می‌برد. برای نمونه حقوق بین‌الملل رابطه بین دولت‌ها با یکدیگر را تنظیم می‌کند؛ در این معنا نماینده یک واحد سیاسی در جامعه بین‌الملل، رژیمی است که به هر نحوی قدرت را در دست گرفته و از طریق نهادهای بین‌المللی نیات خود را پیگیری می‌کند. (Aboultaif, 2016: 5) و از آنجایی که نه غزه، نه گروه‌های نظامی کرانه باختری و نه حتی تشکیلات خودگردان، دولت فلسطینی تلقی نمی‌شوند، حقوق بین‌الملل آنها را به رسمیت نمی‌شناسد و همواره با دید بازیگر درجه دو عرصه بین‌الملل به آنها می‌نگرد.

شاید به همین دلیل است که اسرائیل علاقه‌ای به تشکیل یک دولت فلسطینی ندارد. چنانکه در پی حملات بی‌سابقه اسرائیل به غزه و تلفات بالای انسانی در غزه بحث‌ها مربوط به تشکیل یک دولت فلسطینی بالا گرفت، اما شخص نتانیاهاو تشکیل هرگونه دولت فلسطینی را رد کرد و نمایندگان مجلس نیز حمایت کامل خود از رای نخست وزیر را اعلام کردند. (February 21, 2024; Israeli Parliament Backs Netanyahu's Rejection of a Palestinian State; <https://www.aljazeera.com.cdn.ampproject.org/v/s/www.aljazeera.com/amp>)

^۱Collateral Damage

/news/2024/2/21/Israeli-parliament-backs-netanyahus-rejection-of-a-palestinian-state)

در میانه جنگ ۲۰۲۳-۲۰۲۴ اسرائیل-غزه، بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، خطاب به جو بایدن رئیس جمهور آمریکا، هر گونه اقدام برای تشکیل دولت فلسطینی را رد کرد. با وجود حمایت قاطع کاخ سفید از عملیات نظامی اسرائیل در غزه، نتانیا هو طرح دو دولت که مورد نظر سیاست خارجه آمریکا و دولت‌های غربی است را صریحاً رد کرد. نتانیا هو تاکید کرد: «در هرگونه توافق احتمالی آینده، اسرائیل باید کنترل تمام کرانه باختری رود اردن را در اختیار داشته باشد» این به معنای مخالفت اسرائیل، حداقل دولت راست‌گرای نتانیا هو با تشکیل کشور مستقل فلسطینی است. (Peter Beaumont, January 18, 2024; Netanyahu Tells US he Opposes Creation of Palestinian State after Gaza War; <https://www.theguardian.com/world/2024/jan/18/netanyahu-tells-us-opposes-palestinian-state-after-gaza-war>)

۳. نقد توجیهات اسرائیل در جنگ عادلانه

۱.۳. نقد اصل «دفاع از خود» اسرائیل

طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، اعضا از این حق ذاتی و بدون شرط برخوردارند که در مقابل حمله، از خود دفاع کنند. (United Nations Charter (full Text); <https://www.un.org/en/about-us/un-charter/full-text>) مورد اجماع کشورهای عضو سازمان ملل است. رهبران اسرائیل نیز در توجیه حملات خود به فلسطین اشغالی یا مواضع حزب‌الله همواره از اصل «دفاع از خود» استفاده می‌کنند. چنانکه در پی رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری به شکایت آفریقای جنوبی از اسرائیل مبنی بر نسل‌کشی در غزه، نتانیا هو در اعتراض به این اتهام حقوقی، دفاع از مردم و کشورش را اقدام مقدس خواند و مقابله با عملیات تروریستی حماس را دفاع از خود اعلام کرد. (Rania Abu Shamala, January 26, 2024; After ICJ Ruling, Netanyahu Affirms 'Sacred Commitment' to Defend Israel; <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/after-icj-ruling-netanyahu-affirms-sacred->

commitment-to-defend-israel-/3119923) قدرت‌های غربی به خصوص ایالات متحده آمریکا نیز از حق «دفاع از خود» اسرائیل در برابر تروریسم دفاع کردند. (Itamar Eichner, October 7, 2023; Biden Reaffirms Support of Israel’s Right to Self-Defense in Call with Netanyahu; <https://www.ynetnews.com/article/rjpacjbt>) با این حال طبیعی است که طبق اصل دفاع از خود، زمانی می‌توان عملیات نظامی را آغاز کرد که یک دولت علیه دولت دیگر دست به اقدام نظامی بزند و استقلال سیاسی آن را نقض کند، نه آنکه سرزمین تحت محاصره برای رهایی از بند سرکوب و اسارت اقدامات نظامی انجام دهد. نماینده ویژه سازمان ملل در امور فلسطین، فرنسسکا آلبانسه^۱، معتقد است اسرائیل نمی‌تواند از اصل «دفاع از خود» بر مبنای حقوق بین‌الملل برای حمله به غزه استفاده کند. چرا که نوار غزه توسط خود اسرائیل تحت محاصره قرار گرفته است و دولت مستقل تلقی نمی‌شود. (November 15, 2023; UN Special Rapporteur: Israel Can’t Claim ‘Right of Self-defense’; <https://www.aljazeera.com/program/newsfeed/2023/11/15/un-special-rapporteur-israel-cant-claim-right-of-self-defence>) در سال ۲۰۰۵ نیروهای نظامی خود را از غزه فراخواند اما محاصره شدید از زمین، دریا و هوا بر این منطقه تحمیل کرد. این محاصره هر روز شدت بیشتری پیدا کرد تا جایی که دیوارهای بلندی مناطق اشغالی فلسطین به خصوص غزه را از بخش‌های دیگر فلسطین جدا می‌کرد. اما دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۰۴ استناد اسرائیل به حق دفاع از خود برای ساخت این دیوارها و موانع را رد کرد و هرگونه محاصره را غیرقانونی خواند: در صورت صدمات احتمالی به شهروندان، اسرائیل مسئول آن است. (July 9, 2004; International Court of Justice finds Israeli Barrier in Palestinian Territory Is Illegal; <https://news.un.org/en/story/2004/07/108912>) در هر صورت یک دولت نمی‌تواند به طور همزمان هم کنترل یک سرزمین را در دست داشته باشد و هم به بهانه تهدید امنیت ملی، به آن سرزمین حمله کند. (July 17, 2014, Noura Erakat; Israel Does Not Have Right to Self-Defense in International Law Against Occupied Palestinian Territory; <https://english.legal-agenda.com/israel-does-not-have-right-to-self-defense-in-international-law-against-occupied-palestinian-territory/>)

¹Francesca Albanese

علاوه بر این میزان تلفات بالای فلسطینی‌ها در غزه، نقض‌کننده ادعای دفاع از خود اسرائیل و نمایانگر اهدافی غیر از دفع حملات حماس است. چنانکه بنا به نظر جرم اسلاتر^۱، حملات اسرائیل تحت عنوان دفاع از خود بی‌معناست؛ چرا که با استراتژی ایشان تحت عنوان دیوار آهنین^۲ در تضاد است و اسرائیل عمداً شهروندان، نهادهای اقتصادی و زیرساخت‌های فلسطین را بمباران می‌کند. پیش از تشکیل دولت اسرائیل این استراتژی صرفاً نظامی نبود اما به موازات قدرت‌گیری صهیونیست‌ها، ترور دسته‌های بزرگی از فلسطینی‌ها در دستور کار قرار گرفت. به طوری که دولت‌های سرکار آمده اگرچه از عبارت دیوار آهنین استفاده نکرده‌اند اما عملکردشان در جهت ترساندن و کوچاندن فلسطینی‌ها به کشورهای همسایه بوده است. (Slater, 2012: 48) بنابراین چنین رویکرد تهاجمی از طرف دولت اسرائیل به‌خصوص در جنگ ۲۰۰۸-۲۰۰۹، بیش از آنکه دفاع از خود تلقی شود، با هدف حذف امکانات طرف مقابل به منظور ناتوانی از رقابت و اطمینان از تسلط بر غزه بوده است (Brugnola, 2015; 12)

دوم آنکه، عدم پای‌بندی اسرائیل به قوانین بین‌الملل و نقض مکرر حقوق فلسطینیان در تعیین سرنوشت خودشان، یکی از عوامل بی‌ثمر بودن تلاش‌های دیپلماتیک برای کاهش سطح تنش در فلسطین اشغالی و در نتیجه برآمدن گروه‌هایی با مشی نظامی است. اسرائیل رسماً اعلام می‌کند اجازه تشکیل دولت فلسطینی را نمی‌دهد. یائیر لاپید در سال ۲۰۱۱ با اشاره به اینکه می‌خواهیم از شر فلسطینی‌ها خلاص شویم، گفت: «فلسطینی‌ها باید متوجه باشند که بیت‌المقدس برای همیشه تحت کنترل اسرائیل خواهد ماند و هیچ مذاکره‌ای برای آن انجام نمی‌گیرد». (Gil Ronen, January 20, 2013, Lapid: I want to be rid of the Arabs; همچنین <https://www.israelnationalnews.com/news/164389#.UdcYRbvLilu>)

یالون معاون نخست‌وزیر و وزیر سابق امور استراتژیک در کنفرانس حزبی، صلح را ویروس امروز خواند و گفت: «به نظر من یهودیان می‌توانند و باید در سراسر سرزمین اسرائیل ساکن شوند». (September 8, 2009, Ya'alon Calls Peace Now 'a Virus');

^۱ Jerome Slater: استاد بازنشسته دانشگاه اهایو و متخصص در مسائل خاورمیانه

^۲ Iron wall

سال است که به صورت غیرقانونی غزه را محاصره کرده است و هر روز هم گذرگاه‌های مخفی عبور و مرور افراد یا مواد غذایی و تجهیزات پزشکی را به بهانه انتقال تسلیحات می‌بندد. در بدترین برداشت حتی بر اساس عقیده دولت‌های غربی حامی اسرائیل اگرچه نمی‌توان اقدامات خصمانه حماس یا جهاد اسلامی علیه غیرنظامیان را توجیه اخلاقی کرد، اما حملات حماس در پاسخ به تجاوزهای پیاپی و بدون پاسخ اسرائیل هم علیه نوار غزه و هم علیه کرانه باختری بوده است. بنا به نظر اسلاتر، دولتی که با استدلال «دفاع از خود» مردم سرزمین دیگر را محاصره و سرکوب می‌کند، موجب مقاومت مسلحانه همان مردم می‌شود. حتی اگر این مقاومت مسلحانه به تروریسم ختم شود، این باور وجود دارد که با پایان محاصره و سرکوب، مقاومت مسلحانه نیز خاتمه یابد. (Slater, 2012: 57)

بنابراین اسرائیل نه تنها نمی‌تواند از اصل دفاع از خود استفاده کند، بلکه باید پاسخگو موارد نقض حقوق افراد تحت محاصره باشد. برای نمونه ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم ژنو بیان می‌کند: «دولت محاصره کننده با تمام امکاناتی که در اختیار دارد باید از تامین کامل مواد غذایی و تجهیزات پزشکی مردم تحت تصرف خود اطمینان حاصل کند». (Convention (IV) Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. Geneva, 12 August 1949: Article 55 - Food and Medical Supplies for the Population) همچنین دولت محاصره کننده نباید مانع از اجرای تدابیر ترجیحی در مورد غذا، مراقبت‌های پزشکی و حفاظت در برابر اثرات جنگ شود - (Article 50 - Children) این دولت حق ندارد بخشی از جمعیت خود را به سمت مناطق تحت تصرفش انتقال دهد. (Article 49 - Deportations, Transfers, Evacuation) که این موارد همگی در فلسطین اشغالی نقض شده است.

سوم: آنکه چگونه ممکن است اسرائیل برای حملات مرگبار خود علیه فلسطین اشغالی به اصل دفاع از خود ماده ۵۱ منشور سازمان ملل استناد می‌کند اما نسبت به درخواست‌های پیاپی سازمان ملل برای رفع محاصره یا حکم دیوان بین‌المللی دادگستری مبنی بر پای بندی به اصول جنگ اخلاقی

بی‌اعتناست؟ چنانکه بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در واکنش به اتهام نسل‌کشی در دیوان بین‌المللی دادگستری، آن را رد کرد اما گفت: «ما با پای‌بندی به حقوق بین‌المللی به حفاظت از شهروندان خود ادامه می‌دهیم». (January 26, 2024; Israel's Netanyahu Reacts to ICJ Ruling; <https://www.aljazeera.com/program/newsfeed/2024/1/26/israels-netanyahu-reacts-ti-icj-ruling>)

در مجموع بنا به گزارش سازمان ملل، اسرائیل با بمباران خود در غزه به دنبال هدف دیگری غیر از جنگ با حماس بوده است. حداقل در جنگ اخیر میزان بمباران‌ها و تخریب نوار غزه نشانگر اهدافی غیر از «دفاع از خود» بوده است. بنا به گزارش نماینده حقوق بشر در لندن، اسرائیل از اکتبر ۲۰۲۳ به شکل گسترده‌ای مناطق مسکونی و منازل شهروندان فلسطینی، مدارس و دانشگاه‌ها را بمباران می‌کند به‌گونه‌ای که امکان بازگشت شهروندان برای سکونت وجود نداشته باشد. ظاهراً اسرائیل در پی پاکسازی برای ایجاد منطقه حائل^۱ است که این اقدام نقض کنوانسیون چهارم ژنو است. (Burak Bir; February 2, 2024: UN Says Destruction in Gaza Amount to Grave Breach of Fourth Geneva Convention, War Crime: <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/un-says-destruction-in-gaza-amounts-to-grave-breach-of-fourth-geneve-convention-war-time/3131795>)

۲.۳. نقد اصل تناسب حمله با تهدید

دیده‌بان حقوق بشر اروپا-مدیترانه در گزارش خود اعلام می‌کند طی ۲۰۰ روز عملیات نظامی اسرائیل علیه غزه بیش از ۴۲۰۰۰ فلسطینی کشته شدند که ۱۰۰۰۰ نفر از زنان و ۱۵۰۰۰ نفر از کودکان در میانشان بوده است. هزاران نفر زیر آوار گیر کرده‌اند و از سرنوشت هزاران مفقودی خبری نیست. طبق این آمار هولناک از کشتار فلسطینیان، تخمیناً ۷۰۰۰۰ تن مواد منفجره بر روی نوار غزه توسط جنگنده‌های اسرائیلی ریخته شده است که در نتیجه آن روزانه ۲۱۲ تن در غزه کشته شده‌اند. شواهد بررسی شده تایید می‌کنند که ارتش اسرائیلی به عمد^۱ و با برنامه‌ریزی، شهروندان را هدف قرار داده است که هیچ ارتباطی با فعالیت‌های نظامی نداشتند و این، نقض‌کننده اصول حقوق بین‌الملل از جمله

^۱Buffer Zone

اصل تناسب حمله با تهدید است. (April 24, 2024; 200 days of military attack on Gaza: A horrific death toll amid intl. failure to stop Israel's genocide of Palestinians; <https://euromedmonitor.org/en/article/6282/200-days-of-military-attack-on-Gaza-A-horrific-death-toll-amid-intl-failure-to-stop-israel's-genocide-of-palestinians>)

طبق گزارش دفتر حقوق بشر سازمان ملل، اسرائیل حداقل در شش مورد از حملات خود از تاریخ ۹ اکتبر تا ۲ دسامبر ۲۰۲۳ از بمب‌هایی با وزن تقریبی یک تن علیه اهداف غیرنظامی چون ساختمان‌های مسکونی، مدارس، پناهگاه‌ها و فروشگاه‌ها استفاده کرده است. تنها شمار جانباختگان این شش حمله بررسی شده از ۲۰۰ تن بیشتر شده است، تعداد زیادی مجروح و بسیاری از خانواده‌ها آواره شده‌اند. (June 19, 2024, UN reports: Israeli use of heavy bombs in Gaza raises serious concerns under the laws of war; www.ohchr.org/en/press-releases/2024/06/un-report-israeliuse-heavy-bombs-gaza-raises-serious-concerns-under-laws)

نقض مکرر اصول حقوق بین‌الملل توسط رژیم صهیونیستی، محدود به جنگ ۲۰۲۳-۲۰۲۴ در غزه نمی‌شود بلکه گزارش‌های حقوق بشری از درگیری‌های پیشین بین اسرائیل و گروه‌های مقاومت شواهدی از نقض حقوق غیرنظامیان را تایید می‌کنند.

طی عملیات ۲۲ روزه اسرائیل در غزه، ۱۴۱۷ نفر شامل ۳۱۳ کودک در غزه کشته شدند و بیش از ۵۰۰۰ نفر مجروح شدند. (Avi Shlaim, January 7, 2019; Ten years after the fist war on Gaza, Israel still plans endless brute force; <https://www.theguardian.com/commentisfree/2019/jan/07/ten-years-first-war-gaza-operation-cast-lead-israel-brute-force>)
نظامی خود هم از اصل «تناسب حمله با تهدید» تجاوز کرد و هم از «تنبیه جمعی» استفاده کرد. (Humanitarian Factsheet: From "Cast Lead" to "Pillar of Defense"; <https://www.caabu.org/what-we-do/gaza/factsheet-humanitarian-situation-cast-lead-pillar-defense>)

با وجود تعداد بالای تلفات در نوار غزه طی ۲۲ روز، کاشر مدعی است «انکار نمی‌کنیم که برخی سربازان در غزه در جریان جنگ ۲۰۰۸-۲۰۰۹ دست به کشتار افراطی زده‌اند: با این حال سیاست اسرائیل هیچ‌گاه کشتار افراطی نبوده است. اگر اینچنین بود تعداد قربانیان جنگ بیش از این می‌شد»

(Kasher, 2010: 7) با وجود ادعا رژیم مبنی بر مرتبط نبودن کشتار سربازان به سیاست ارتش اسرائیل، گاردین گزارش کرده است معاون وزیر دفاع اسرائیل در گفت‌وگو با رادیو ارتش این کشور، فلسطینی‌ها را تهدید به وقوع هولوکاست در غزه کرد. (February 29, 2008, Israeli Minister Warns of Palestinian Holocaust; <https://www.theguardian.com/world/2008/feb/29/israelandthepalestinians1>) این اظهار نظر در حالی بود که تنها دو روز از تبادل آتش میان حماس و ارتش اسرائیل می‌گذشت و طی این مدت ۳۲ فلسطینی کشته شده بودند. جالب آنکه در طول جنگ حماس و اسرائیل ۲۰۲۳ اینچنین اظهار نظری دوباره از سمت کابینه نتانیاها تکرار شد. وزیر میراث اسرائیل درخواست انداختن بمب هسته‌ای بر نوار غزه کرد. (Anadolu Staff, January 1, 2024; Israeli Minister Renews Call for Striking Gaza with Nuclear Bomb; <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/issraeli-minister-renews-call-for-striking-gaza-with-nuclear-bomb-/3117351>) توالی این سیاست اسرائیل باعث شده است الجزیره این روند را عادی‌سازی نسل‌کشی فلسطینی‌ها بداند. روندی که به راحتی در ۲۰۱۲، ۲۰۱۴، ۲۰۲۱ و اکنون در ۲۰۲۴ هم تکرار شود و همگی مطابق با همان منطق اشغال بی‌رحمانه ۲۰۰۶ بوده است. گویی قطع آب، غذا، دارو، برق، اینترنت و سایر مایحتاج زندگی به پدیده‌ای عادی در جنگ تبدیل شده است. (Haidar Eid, December 30, 2023, On the Gaza 'Shoah' and the 'Banality of Evil'; <https://www.aljazeera.com/opinions/2023/12/30/on-the-gaza-shoah-and-the-banality-of>)

جوزف بورل هماهنگ کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا در گزارش خود از غزه در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۲ مارس ۲۰۲۴، با انتقاد از رفتار اسرائیل، بیان کرد: «اسرائیل از گرسنگی به عنوان یک ابزار جنگی استفاده کرده است». او با انتقاد مکرر از رژیم صهیونیستی ادامه داد: «اگر ما بخواهیم از قحطی و گرسنگی در اوکراین جلوگیری کنیم، باید آنچه در غزه روی داده است را به یاد بیاوریم». (March 12, 2024; Israel Using Hunger as Weapon of War, EU's Borrell Tells UN; <https://www.euractiv.com/section/global-europe/news/eus-borrell-says-hunger-being-used-as-war-arm-in-gaza/>)

۳.۳. نقد اصل تمایز

اصل تمایز در میدان نبرد سه راهبرد کلی برای اقدام نظامی را پیش می‌گذارد: الف) هنگامه مواجهه سرباز ارتش اسرائیل با گروهی از نظامیان ب) هنگامه مواجهه سرباز ارتش اسرائیل با غیرنظامیان که هیچ‌گونه ارتباطی با نظامیان ندارند اگرچه همچنان دشمن هستند... ج) هنگامه مواجهه سرباز ارتش اسرائیل با گروهی متشکل از نظامیان و غیرنظامیان. راهبرد اول اجازه حمله به دشمن با اختیار کامل را می‌دهد: البته به استثنا مصدومان، زندانیان، تیم پزشکی و مبلغان مذهبی. راهبرد دوم اجازه هیچ‌گونه حمله به گروه مقابل را نمی‌دهد. اما راهبرد سوم همواره یک دوراهی سخت را مقابل ارتش اسرائیل می‌گذارد. درواقع برای ارتش این سوال وجود دارد که در مقابل گروهی، هم شامل شبه‌نظامیان است که تهدید مستقیم علیه نیروی نظامی اسرائیل تلقی می‌شوند و هم غیرنظامیانی که اگرچه دشمن هستند ولی فعلاً خطری در پی ندارند، چه باید کرد؟

راه اول در چنین موقعیتی آن است که از طریق هشدار پیش از حمله، تمام تلاش خود برای جدا کردن نظامیان از غیرنظامیان را انجام دهیم. اگر این هشدار در جدا کردن آنها موفقیت آمیز بود پس دیگر نیازی به راهبرد سوم نداریم. برای مقابله با نظامیان از راهبرد اول استفاده می‌کنیم و برای پناه دادن غیرنظامیان هم راهبرد دوم کفایت. اما مشکل زمانی پیش می‌آید که علی‌رغم تلاش‌ها، تروریست‌ها نه تنها خود را از دیگران جدا نمی‌کنند بلکه با دریافت هشدار حمله، متوجه می‌شوند خطر بسیار نزدیک است و اتفاقاً به غیرنظامیان بیشتر نزدیک می‌شوند. در چنین شرایطی راهبرد سوم، سرباز اسرائیلی را به انجام دو وظیفه راهنمایی می‌کند: اول، سربازان باید مطمئن شوند که تا حد امکان تنها مواضع نظامیان را هدف قرار می‌دهند و دوم اینکه حداقل صدمه به غیرنظامیان وارد شود. (Kasher, 2009: 9-10)

درواقع ظاهراً چاره‌ای جز تلفات غیرنظامیان وجود ندارد. بااین حال به این استدلال منطقی، دو نقد جدی وارد است: اول آنکه جداسازی بین نظامیان و غیرنظامیان یا از نظر صهیونیست‌ها، تروریست‌ها از شهروندان بیش از حد ساده‌انگارانه و مبتنی بر پیش‌انگاشته‌های یک طرفه است. گروهی که از طرف

صهیونیست‌ها تروریست نامیده می‌شوند، منتخب سیاسی مردم غزه هستند و نیروی نظامی قانونی این منطقه محسوب می‌شوند و به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با گروه‌هایی مانند داعش یا القاعده نیستند. چنانکه در پی حمله هفتم اکتبر حماس به اسرائیل نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل حماس را مانند داعش معرفی کرد.

دوم آنکه، پرواضح است که چنین هشدار می‌تواند توجیه‌کننده کشتار روزانه صدها نفر در غزه باشد. همچنان که بخش عظیمی کودکان فلسطینی، سالخورده‌گان، زنان و مجروحان حملات، توان جابجایی یا آماده شدن برای هشدار اسرائیل را ندارند. با این حال، هشدار قبل از حمله، اگرچه بی‌اندازه مضحک و غیرقابل قبول است، دستاویزی برای تفسیر به رای می‌شود: اولاً چون دولت اسرائیل به عنوان نماینده رسمی و حاکمیت این منطقه هشدار قبلی صادر کرده، پس مطابق با حقوق بین‌الملل است و دوم آنکه به دلیل اطلاع‌رسانی قبلی، اخلاقی تلقی می‌شود. (Neve Gordon, 16 October, 2023: The Myth Of Israel's Most Moral Army: <http://.aljazeera.com/opinions/the-myth-of-israels-most-moral>) چنانکه ترامبول در مقاله خود این موضع را تایید می‌کند: «من موافق آن نیستم که تلفات شهروندان در جنگ صددرصد ممنوع باشد؛ شهروندان مانند سربازان می‌توانند به‌واسطه مسئولیتشان در تهدید غیراخلاقی^۱ یا مشارکتشان در فعالیت‌های نظامی غیرمصون^۲ تلقی شوند. اخلاقاً، شهروندان غیرمصون مانند سربازان نباید مورد حفاظت قرار گیرند چرا که عملاً وارد جنگ شده‌اند» (Trumbull, 2023: 38).

براساس گزارش مفصل هیئت حقیقت یاب که از طرف سازمان ملل برای بررسی نقض احتمالی حقوق بشر در فاصله ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹ به غزه اعزام شده بود، نیروی نظامی اسرائیل اقدامات احتیاطی برای محافظت از شهروندان در نوار غزه به‌خصوص وظیفه هشدار موثر قبل از حمله را نادیده گرفته است. (United Nations, 2009: 18) این گزارش ادامه می‌دهد: «بنابر اصل تمایز، حملات ارتش باید تنها علیه اهداف نظامی و سربازان طرف مقابل باشد. هدف قرار دادن عمدی

¹Unjust Threat

²Non-innocent

شهروندان یا مکان‌های غیرنظامی ممنوع است. براساس گزارش کمیته، ۱۱ مورد مصداقی مبنی بر هدف قرار دادن شهروندان توسط ارتش اسرائیل انجام شده است که هیچ توجیه نظامی نداشته است. هفت مورد مربوط به هدف قرار دادن شهروندانی است که تلاش می‌کندند از خانه خود خارج شوند و به مکان امن بروند در حالیکه پرچم سفید در دست داشتند و از دستورات نیروی نظامی اسرائیل پیروی می‌کردند. موارد دیگر مربوط به تخریب اماکن مسکونی، مساجد و استفاده از بمب فسفوری علیه غیرنظامیان است. (United Nations, 2009: 158)

جنایات صهیونیست‌ها در نقض اصل تمایز تنها محدود به کشتار غیرنظامیان نمی‌شود، بلکه ارتش رژیم در بی‌سانسور آنچه در غزه یا کرانه باختری می‌گذرد، اهالی رسانه را به عمد مورد هدف قرار می‌دهد. طبق گزارش گاردین، کمیته محافظت از خبرنگاران^۱، اسرائیل را متهم به هدف قرار دادن خبرنگاران و خانواده‌های آنها در غزه کرده است (Chris McGreal, December 21, 2023; Israeli Military accused of Targeting Journalists and their Families in Gaza; <https://www.theguardian.com/world/2023/dec/21/israel-idf-accused-targeting-journalists-gaza>) ظاهراً کشتار خبرنگاران سیستماتیک و به هدف مشخص صورت گرفته است علاوه بر گزارش گاردین مبنی بر کشتار خبرنگاران و خانواده آنها، رویترز گزارش کرده است در اکتبر ۲۰۲۳ طی جنگ اسرائیل با حماس، گروهی از خبرنگاران که در مرز لبنان که در حال تهیه گزارش بودند، توسط تانک ارتش اسرائیل مورد هدف قرار گرفتند و سپس به مدت ۱ دقیقه و ۴۵ ثانیه تیرباران شدند. این حمله در حالی رخ داد که خبرنگاران به راحتی قابل تشخیص بودند و لباس مخصوص رسانه را بر تن داشتند. طی این حمله تعدادی زخمی و خبرنگار رویترز ایسام عبدالله^۲ کشته شد. (Maya Gebeily & Anthony Deutsch, March 8, 2024; Israel Tank in 'likely Scenario' Fired Machine Gun at Reporters after Deadly Shelling, Report Finds; <https://www.reuters.com/world/middle-east/israeli-tank-likely-scenario-fired-machine-gun-reporters-after-deadly-shelling-2024-03-07/>)

^۱Committee to Protect Journalists (CPJ)

^۲Issam Abdallah

طبق گزارش الجزیره تنها در سال ۲۰۲۳ از میان ۹۹ خبرنگارانی که در سراسر جهان کشته شده‌اند، ۷۲ تن از آنها فلسطینی‌هایی بودند که توسط ارتش اسرائیل کشته شده‌اند و این ۱۲ ماه اخیر به خونین‌ترین سال برای رسانه‌ها در طی یک دهه اخیر شناخته شده است. (February 15, 2024; Nearly 75% of Journalists Killed in 2023 Died in Israel's War on Gaza; <https://www.aljazeera.com/amp/news/2024/2/15/nearly-75-of-journalists-killed-in-2023-died-in-israels-war-on-gaza-cpj>)

به گزارش سازمان ملل، کشتار، صدمه یا بازداشت خبرنگاران از سوی اسرائیل با استراتژی هدفمند صورت می‌گیرد. درواقع، علی‌رغم آنکه خبرنگاران در غزه یا کرانه باختری لباس مخصوص با کلاه ایمنی با نشان رسانه بر تن دارند و با وسایل نقلیه مخصوص جابه‌جا می‌شوند و کاملاً قابل تمییز از مردم عادی هستند اما به تکرار مورد هدف قرار می‌گیرند. (February 1, 2024; Gaza: UN Experts Condemn Killing and Silencing of Journalists; <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2024/02/gaza-un-experts-condemn-killing-and-silencing-journalists>) آیا این

حرکت اسرائیل مصداق تروریسم نیست؟

نتیجه‌گیری

اسرائیل رژیم‌جعلی در جغرافیای غرب آسیاست اما خود را تماماً با ارزش‌های غربی چون دموکراسی، آزادی و برابری تعریف می‌کند. از طرف دیگر قواعد آیین یهود، آن را دولتی متعلق به یهودیان می‌داند. این دو، زیربنای تعریف اسرائیل از خود در عرصه بین‌الملل است.

توضیح دادیم که سران رژیم با چه اعتقاد راسخی معتقدند که ارزش‌های انسانی و اصول یک دولت دموکراتیک حکم می‌کند که نیروی نظامی اسرائیل رفتاری اخلاقی و توجیه‌پذیر از نظر حقوقی با طرف مقابل خود حتی اگر تروریست‌ها باشند، داشته باشد. این اظهار نظرات مختص افراد یا احزاب خاص نیست بلکه جریان‌های چپ، راست و میانه‌رو همگی در اسرائیل معتقدند که ارتش صهیونیستی بااخلاق‌ترین و البته جز حرفه‌ای‌ترین ارتش‌های دنیا است و برای این استدلال خود مبنای حقوقی و اخلاقی بسیاری را وارد مقالات و کتب علمی کرده‌اند. اما آنچه که نمایان شده است، عدم پای‌بندی

اسرائیل به این مفاهیم و تجاوزات آشکار از حقوق بین‌الملل بوده است. ادعاهای رژیم بیش از آنکه به لحاظ اخلاقی و حقوقی قابل بررسی باشد، در سطح ادعا و توجیه افکار عمومی، شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت حملات مرگبار و لفاظی‌های رسانه‌ای قابل بررسی است. صهیونیست‌ها فارغ از جنگ با غزه، حماس، کرانه باختری، ایران و سایر دشمنان ادعایی خود، پاسخ نداده‌اند که چرا به مرزهای قبل از ۱۹۶۷ که مورد قبول جامعه جهانی است باز نمی‌گردند؟ چرا بیت‌المقدس را که می‌تواند به پایتختی هر دو کشور فلسطینی و اسرائیلی تقسیم شود، از محاصره خارج نمی‌کنند؟ چرا هر روز شهرک‌سازی غیرقانونی خود در کرانه باختری را با وجود اعتراضات بین‌المللی گسترش می‌دهند؟ چرا نوار غزه را حتی اگر قصد بمباران دارند، از محاصره خارج نمی‌کنند؟ چرا اجازه تشکیل یک دولت فلسطینی با اختیار تعیین سرنوشت سیاسی برای فلسطینیان نمی‌دهند؟ این پرسش‌ها مربوط به سوء رفتار رژیم صهیونیستی با فلسطینی‌های تحت محاصره است اما وقتی وارد صحنه نبرد می‌شویم همچنان تجاوز آشکار رژیم نسبت به اصول جنگ عادلانه را مشاهده می‌کنیم. اصل دفاع از خود، تاکید دارد که نیت اصلی شروع جنگ باید تنها دفع خطر دشمن باشد. اصل تناسب حمله با تهدید توضیح می‌دهد که نباید کشتار افراطی در مقابل حملات دشمن صورت پذیرد. اصل تمایز شهروندان با نظامیان تاکید می‌کند باید بین غیرنظامیان و نظامیان تفکیک قائل شد و پس از جنگ اجازه امداد رسانی به افراد مصدوم باید داده شود. حقوق افراد تحت محاصره تاکید می‌کند جان و مال شهروندان تحت محاصره باید به شکل کامل تامین باشد. اما متأسفانه در تمام این موارد نقض آشکار قوانین و حقوق بین‌الملل توسط رژیم صهیونیستی صورت می‌پذیرد. رژیم، در مقابل تلفات خود در راکت‌اندازی حماس، چند ده برابر از فلسطینی‌ها را به شهادت رسانده و چند صد برابر را مصدوم یا آواره کرده است. رژیم به عمد و با توجیه غیرمنطقی، شهروندان عادی، خبرنگاران و کارکنان نهادهای حقوق بشری را مورد هدف قرار می‌دهد. رژیم مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها، مساجد و مدارس را به بهانه حضور شبه‌نظامیان بمباران می‌کند، تمام راه‌های کمک‌رسانی به غزه را مسدود کرده است و از قحطی و

گرسنگی چون ابزاری جنگی بهره می‌برد. رژیم هنگام ازدحام جمعیت قحطی زده برای دریافت امداد، آنها را مستقیماً هدف قرار می‌دهد.

با وجود موارد متعدد از جنایات جنگی رژیم صهیونیستی علیه فلسطینی‌ها، موضوعی که بحث‌برانگیز است، هدف نهایی اسرائیل، توسعه‌طلبی و الحاق مناطق اشغالی به سرزمین خود می‌باشد. با توجه به اقدامات نیروی نظامی اسرائیل که تاکنون انجام داده است، به نظر می‌رسد هدف نهایی، برقراری یک دولت تماماً یهودی، شامل مناطق فلسطین اشغالی است. برای دستیابی به این هدف در بلند مدت، یهودیان باید از غزه خارج شوند تا این منطقه به زندان روباز تبدیل شود که شده است. در سال ۲۰۰۵ زمان نخست‌وزیری شارون ۷۰۰۰ نفر از یهودیان ساکن غزه (که به صورت غیرقانونی در این منطقه سکونت داشتند) از غزه خارج شدند در آن زمان این خروج، یک پیروزی برای فلسطینیان تفسیر شد اما این خروج مقدمه‌ای برای آغاز جنایات رژیم در این منطقه بود. به بیان دیگر، اسرائیل با خروج یهودیان از غزه، تنها اعراب فلسطین را هدف عملیات نظامی و محاصره طولانی قرار داد و خطر آسیب یهودیان را به صفر رساند و بعد از یک دوره طولانی از محاصره، شدیدترین حملات نظامی را علیه این منطقه انجام داد. این تحلیل کوتاه نشان می‌دهد که اسرائیل به رغم لفاظی رسانه‌ای چه ایده‌ای در پس مفاهیم جنگ اخلاقی دارد و البته هر چه که این ایده باشد فاصله بسیاری با اصل «دفاع از خود» دارد.

منابع

1. Aboultaif, Eduardo wassim (2016) Just war and the Lebanese resistance to Israel. Critical studies on terrorism. Critical studies on terrorism. pp 2-22.
2. Bartels, Rogier (2013). Dealing with The Principle Of Proportionality In Armed Conflict In Retrospect: The Application Of The Principle In International Criminal Trials, Israel Law Review (Cambridge University Press), Vol. 46, No 2, pp. 271-315.
3. B. Bottoms, Major Jennifer (2009), when close doesn't count: an analysis of Israel jus ad bellum and jus in bello in the 2006 Israel-Lebanon war .ArmyLaw.pp 23-54.
4. Brugnola, Serena (2015). Who Protect the Palestinians in Gaza? : Analysis of the Legal Basis for Responsibility of the International Community and Obstacles to its Implementation.

5. David, Steven R. (2003) Israel's policy of Targeted killing. Ethics and international affairs. No.1. pp 111-126.
6. Dinstein, Yoram (2010). The Conduct of Hostilities under The Law of International Armed Conflict. 2d ed. Cambridge University.
7. Fellmeth, Aaron Xavier (2008), Questioning civilian immunity. Texas International Law journal. Vol. 43, pp 452-497.
8. Gross, Michael (2006) killing civilians intentionally: Double effect, Reprisal, and Necessity in the Middle east. Political science quarterly. Vol. 120, No. 4, pp. 555-579.
9. Kasher, Asa & Amos Yadlin (2005), Military Ethics of fighting Terror: an Israeli perspective. Journal of military ethics. Vol. 2, No. 1, pp 3-32.
10. Kasher, Asa (2009), Operation Cast Lead and the Ethics of Just War. Azure. No. 37.
11. Kasher, Asa (2010), A Moral Evaluation of the Gaza War _ Operation Cast Lead. Jerusalem Center for Public Affairs. Vol. 9, No. 18.
12. Khalidi, Muhammad Ali (2010). The most moral army in the world: the new Ethical cod of the Israeli military and the war on Gaza. Journal of Palestine studies. Vol.39, no. 3, pp 6-23.
13. Inbar, Efraim & Eitan Shamir (2014). Mowing the Grass in Gaza. Begin-Sadat Center for Strategic Studies. No. 255.
14. Slater, Jerome (2012). Just War Moral Philosophy And The 2008-09 Israeli Campaign in Gaza, International Security, Vol. 37, No. 2, pp 44-60.
15. Trumbull Iv, Charles P. (2023) proportionality, Double effects, and the innocent bystanders problem in war. Stanford journal of international law. Vol. 59, No. 1, pp 35-73.
16. United Nations, General Assembly (2009), Human Rights in Palestine and other Occupied Arab Territories, Report of the United Nations Fact-Finding Mission on The Gaza Conflict.

منابع اینترنتی:

1. english.legal-agenda.com
2. news.un.org
3. www.aa.com
4. www.aipac.org
5. www.aljazeera.com

6. www.asil.org
7. www.carnegiecouncil.org
8. www.caabu.org
9. www.cbsnews.com
10. www.euractiv.com
11. www.euromedmonitor.org
12. www.gov.il
13. www.hrw.org
14. www.haaretz.com
15. www.icj-cij.org
16. www.idf.il/en
17. www.ihl-databases.icrc.org
18. www.israelnationalnews.com
19. www.nytimes.com
20. www.mjpost.com
21. www.mezan.org
22. www.middleeasteye.net
23. www.ohchr.org
24. www.prospectmagazine.co.uk
25. www.reuters.com
26. www.theguardian.com
27. www.timesofisrael.com
28. www.un.org
29. www.unicef.org
30. www.ynetnews.com